

نشریه

شماره سوم نشریه ندای حق

نشریه ندای حق دانشگاه امام خمینی (ره)

آیا جنین می تواند مبیع واقع گردد؟

اهدای جنین
وماهیت حقوقی آن

قتل عمدی
فرزند
توسط
پدر

دیدگاه قصاص یا عدم قصاص پدر

وظایف دبیرکل، لیست دبیران کل

هفتادوپنجمین

سالگرد تاسیس سازمان ملل متحد

فرارداغ

فراردر پی شیوع ویروس کرونا!

۲۴ /

فرار داغ



۳ /

سخن مدیر مسئول



۳۴ /

مصاحبه



۴ /

اهدای جنین



۳۸ /

معرفی کتاب



۴۰ /

معرفی فیلم

قتل عمدی فرزند توسط پدر ۱۲ /



به بهانه هفتاد و پنجمین سالگرد

تاسیس سازمان ملل متحد / ۲۰



نشریه ندای حق

صاحب امتیاز: انجمن علمی فقه و حقوق
دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

مدیر مسئول: نرگس حیدری ابهری

سر دبیر: امید محمدی

مدیر داخلی: نرگس حیدری ابهری

طراحی و صفحه آرایی:
مهرشاد کرمزاده مطلق، محمد وارسته

هیئت تحریریه:
مرتضی عزیزی، میلاد مهاجر اصل، پوریا
نجفی، محمد جواد حسینی، محمد وفادار،
رضا رادپور، زهرا حمیدی، مهدی کلهر، نفیسا
بنائیری، احسان جعفریگلو و سید محمدرضا
حسینی

ویراستار:
زهرا باقری - محمد حسین طارمی

آدرس:
قزوین، بلوار شهید قاسم سلیمانی، دانشگاه
بین المللی امام خمینی (ره)، معاونت فرهنگی
، واحد نشریات

آدرس الکترونیکی:
nashriyenedayehagh@gmail.com

شماره مجوز: ۱/۱۷۹۷۳۶/د



ندای حق

سخن مدیر مسئول

«بسم الله الرحمن الرحيم»

با حمد و ثنای خداوند متعال و با استعانت از درگاه احدیتش، مفتخریم که در شماره سوم نشریه ندای حق مهمان نگاه‌های پر مهر شما هستیم.

با توجه به این که امروزه نشریات دانشگاهی نقش گسترده‌ای را در انتقال معنا و آموزش مطالب در سطح دانشگاه (و حتی گاه در خارج از دانشگاه) ایفا می‌کند؛ سعی بر آن شده که این شماره پربارتر از شماره‌های قبلی نشریه ندای حق باشد و با بررسی حقوقی و فقهی اتفاقات رایج در جامعه کنونی، آگاهی و اطلاعاتی را درخور و شایسته یک دانشجوی حقوق خوان بیان دارد.

آنچه که پیش روی شماست نتیجه کسب علم و تلاش جمعی از دانشجویان فقه و حقوق است که با زحمات خود سبب ایجاد این نشریه‌اند و انتشار آن هدفی جز کسب رضایت از شما دانشجوی خواننده ندارد.

بنابراین ندای حق آنگاه به هدف خود می‌رسد که شنونده‌ی پیشنهادات و پذیرنده‌ی انتقادات شما، از سطر به سطر این مطالب بوده و خستگی ما آنگاه به ثمر خواهد نشست که هر دانشجوی فقهی و حقوقی قلمی برای نوشتن باشد و دلیلی برای ترقی ندای حق.

فلذا بدین منظور، به نمایندگی نشریه ی ندای حق، از تمامی پژوهشگران، دانشجویان و اهالی قلم، دعوت به عمل می‌آورم که مقالات، مطالب و دیدگاه‌های خود را برای چاپ در شماره‌های بعدی و بهبودی هرچه بهتر این نشریه برای ما ارسال نمایند.

و در آخر از تمامی کسانی که ما را در به گوش رسیدن صدای ندای حق، همراهی نموده و کمک رسانمان بوده‌اند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

نرگس حیدری ابهری

اسفند ماه ۱۳۹۹

اهدای جنین

اهدای جنین و ماهیت حقوق قرارداد رحم
جایگزین و روش های نوین در تولید مثل
میلاذ مهاجر ، پوریا نجفی ،
محمدجواد حسنی



باسمه تعالی

موضوع:

اهدای جنین و ماهیت حقوق قرارداد رحم
جایگزین و روش های نوین در تولید مثل.
چکیده:

یکی از شیوه های درمان نازایی اهدای جنین
است که در آن اسپرم مرد و تخمک زن را در
آزمایشگاه تلقیح نموده و بعد جنین حاصل را به
رحم زن متقاضی منتقل می کنند. در این باره سه
نظریه مطرح می باشد:

۱- حرمت مطلق

۲- جواز مطلق

۳- تفکیک: یعنی جواز در صورت استفاده از
سلول جنسی زوجین.

جستارگشایی و تاریخچه:

تولید مثل مصنوعی تحت دو عنوان شبیه
سازی و بارورهای پزشکی انجام می شود که در
روش اول از سلول های جسمی و در روش دوم
از سلول های جنسی استفاده میشود. روش های
درمانی با توجه به نارسایی زوجین به چند روش
صورت می گیرد:

۱- اهدای اسپرم

۲- اهدای تخمک

۳- اجاره ی رحم

۴- اهدای جنین

دیگر عناوین حقوقی:

۱- صلح: باتوجه به اینکه صلح عقدی لازم است صاحبان جنین حق رجوع از آن را ندارند.

۲- هبه: عقدی جایز است و مطابق ماده ۸۰۳ قانون مدنی در صورت بقای عین موهوبه می توان از آن رجوع نمود اما تبدیل اسپرم و تخمک به جنین به منزله ی از بین رفتن عین موهوبه می باشد و قابلیت رجوع از بین می رود.

۳- وکالت: عقدی جایز است و قابلیت رجوع ممکن می باشد مگر اینکه متعلق وکالت از بین برود. در اینجا مراکز درمانی نقش وکیل را ایفا می کنند. البته برخی اهدای جنین را ایقا می دانند زیرا اهدا کنندگان و درخواست کنندگان اغلب یک دیگر را نمی شناسند.

۴- اذن: صاحبان جنین می توانند اذن استفاده از جنین را به منظور انتقال به رحم زن متقاضی صادر نمایند. رجوع از اذن تا قبل از استقرار جنین در رحم جایز می باشد.

۵- اعراض: حق انسان بر اسپرم و تخمک خود یک حق عینی است. پس صاحبان آن حق اعراض دارند. البته پذیرش حق عینی تا قبل از تلقیح قابل تسری است، زیرا جنین در مرحله تلقیح انسانی مستقل است. بنابراین عبارات اعراض از جنین بر خلاف عبارات اعراض از اسپرم و تخمک صحیح نمی باشد.

مسلم است خرید و فروش جنین با خرید و فروش اسپرم و تخمک متفاوت است؛ زیرا اسپرم و تخمک جزئی از انسان می باشند پس جواز این کار مطرح است. به خصوص اجزایی مانند اسپرم یا تخمک که انفصالشان از بدن ضرری ندارد یا قابل جبران است. مطابق نظر آیت الله فاضل و مکارم شیرازی فرآورده های انسان با توجه به مال بودنشان قابلیت خرید و فروش دارند؛ البته این مسئله درباره انتقال جنین صورت متفاوت تری به خود می گیرد، زیرا اسپرم و تخمک قبل از لقاح از فرآورده های انسان است ولی پس از لقاح موجودی مستقل در مراحل آغازین حیات می باشد.

به همین دلیل بسیاری از فقها سقط جنین را جایز نمی دانند

البته برخی نظر مخالف دارند به این صورت که جنین های آزمایشگاهی را می توان از بین برد به این شرط که قبل از دمیده شدن روح باشد. زیرا هنگامی این کار حرام است که در رحم باشد، و در خارج از آن دلیل بر حرمتش وجود ندارد. به سبب اینکه انسانی شکل نگرفته است پس انتقال جنین بر عقد بیع منطبق نیست.

ماهیت اهدای جنین

آیا جنین می تواند مبیع واقع شود؟

آیا انتقال جنین باید بر یکی از عقود معهوده منطبق گردد؟

جنسی به عنوان مشارکت در بخشی از فرآیند درمان حق دریافت عوض خواهند داشت.

اهدای جنین و نظر فقها:

در مورد جواز یا عدم جواز اهدای جنین فقها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) اهدای جنین مطلقاً جایز نیست، اعم از اینکه بین صاحبان اسپرم و تخمک رابطه زوجیت باشد یا خیر.

ب) اهدای جنین مطلقاً جایز است.

ج) گروه آخر قائل به تفکیک شده و معتقدند اگر بین صاحبان اسپرم و تخمک رابطه زوجیت باشد جایز است. در غیر این صورت جایز نمی‌باشد.

بررسی دلایل قابل استناد هریک از دیدگاه‌های فوق:

۱- دلایل عدم جواز اهدای جنین
دلایل فقهی و حقوقی فراوانی ذکر گردیده که برخی از آنها در ذیل بررسی می‌شوند:

الف) تغییر خلق خدا

((و لا مرنهم فلیغیرن خلق الله)) و ((فطرت الله التي فطرت الناس علیها لا تبدل لخلق الله)). از این آیات حرام بودن تغییر در آفرینش خدا استنباط می‌شود پس هر روشی به غیر از لقاح طبیعی نوعی تغییر در خلقت الهی و در نتیجه حرام است.

به نظر می‌رسد باید بین مراحل مختلف اهدای جنین تفکیک قائل شد. در یک مرحله صاحبان اسپرم و تخمک سلول‌های جنسی خود را به مراکز درمان ناباروری اهدا می‌کنند و در مرحله بعد مراکز یاد شده این سلول‌ها را بارور می‌کنند.

در مرحله نخست اگر نازایی بیماری تلقی شود و اهدای جنین راه مداوای آن باشد، اعطای اسپرم و تخمک بخشی از فرآیند درمان بوده و منفعت عقلایی دارد. پس می‌تواند مبیع واقع شود. پس



صاحبان آنها می‌توانند سلول‌های جنسی خود را بفروشند زیرا اسپرم و تخمک به تنهایی انسان محسوب نمی‌شوند و اعطا کنندگان می‌توانند مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی عوض دریافت نمایند.

در مرحله دوم که جنین به رحم متقاضی منتقل می‌شود نه تنها اطلاق بیع بلکه عناوینی مانند هبه و صلح نیز در این مورد معارض با کرامت انسان است. به هر حال این مرحله هم بخشی از سیر درمان می‌باشد و اهدا کنندگان سلول‌های

و یحفظن فروجهن). استدلال چنین است که باید از هر چه متناسب فرج است پرهیز شود خواه استمتاع خواه استیلا باشد. شاید به همین دلیل بیان شده است زانی در صورت وضع نطفه در رحم اجنبیه مرتکب دوکار حرام شده است.

(د) نفی کرامت انسان:

انسان در تمام مراحل زندگی اعم از نطفه، جنین، طفل و... واجد کرامت است. قرآن نیز بر کرامت بنی آدم تأکید دارد (اسراء، ۷۰) در حالی که اهدای جنین به دلایلی با کرامت انسان در تضاد است).

(س) زاد و ولد غیرطبیعی:

آیات فراوانی دلالت بر زاد و ولد طبیعی دارد (انسان، ۲؛ نجم، ۴۵-۴۶؛ بقره، ۲۴۳؛ حج، ۵؛ حجرات، ۱۳؛ قیامت، ۳۶-۳۹؛ مرسلات، ۲۰-۲۱؛ طارق، ۵-۶؛ نحل، ۲۷ و...).

(ط) تضييع حقوق کودک:

کودک متولد از لقاح طبیعی، والدین خود را می‌شناسد، اما کودک متولد از اهدای جنین، والدین بیولوژیک خود را نمی‌شناسد. در نتیجه از بسیاری حقوق مانند: نفقه، ارث، انس با والدین حقیقی و... محروم خواهد شد. دراین باره امام سجاد (ع) میفرماید: ((اما حق فرزند تو این است که بدانی او از توست... و اما حق پدر تو آن است که بدانی او منشا و اصل توست و اگر او نبود تو نیز نبود)).

در روایات خال کوبان، مفسرین قرآن، اخته کنندگان، چارپایان و لواط و... را از مصادیق تغییر در خلقت خداوند دانسته اند.

بنابراین لقاح مصنوعی را می‌توان به طریق اولی تغییر در خلقت خدا دانست. اما با دقت در آیات و روایات مزبور معلوم می‌شود منظور از تغییر در خلق خدا تغییر کاربری مخلوقات است. به این معنا که انسان باید از خورشید، ماه، سنگ، آتش و... بهره مند گردد اما اگر آنها را بپرستد این همان تغییر در خلق خداست.

(ب) اختلاط انساب

دخاله فرد ثالث در امر تولید مثل منجر به اختلاط در نسب می‌شود. البته بسیاری از فقها مشکل اختلاط انساب را حل کرده‌اند. مطابق ماده ۱ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲/۵/۱۴ مجلس شورای اسلامی اهدا کنندگان جنین باید زوج‌های قانونی و شرعی باشند. به این ترتیب اختلاطی در نسب صورت نمی‌گیرد و پدر و مادر واقعی همان صاحبان اسپرم و تخمک می‌باشند

(ج) حفظ فرج:

مخالفین اهدای جنین به آیاتی استناد می‌کنند که برحفظ در فرج تأکید دارند. حتی برخی از اصولیون با اینکه در موارد شبهه‌ی حکمیه‌ی تحریمیه قایل به برائت هستند، اما درمورد حفظ فرج نظریه احتیاط را برگزیده‌اند. آیاتی مانند (الحافظین فروجهم و الحافظات) و (قل للمومنات یغضضن من ابصارهن

ف) مخالفت با مشیت الهی:

خداوند متعال به یکی پسر و به دیگری دختر می دهد و یکی را هم عقیم قرار می دهد. ((یهب لمن یشاء اناثاً یهب لمن یشاء الذکور)) (شوری، ۴۹). ((و يجعل من یشاء عقیماً)) (شوری، ۵۰). بنابراین تسلیم قضا و قدر الهی هیچ گونه منافاتی با علاج بیماری ندارد. آری انسان موحد، ضمن درمان و رجوع به پزشک، معتقد است: ((اذا مرضت فهو یشفین)) (شعراء، ۸۰). ضمن آنکه غذا می خورد و آب می نوشد معتقد است: ((والذی هو یطعمنی و یسقین)) (شعراء، ۷۹).

ه) اهدای چنین با اقدامات نامشروع:

تلقیح مصنوعی معمولاً با اقدامات نامشروعی همراه است. مثلاً اهدای تخمک مستلزم نگاه به عورت زن و اهدای اسپرم در برخی موارد مستلزم استمنای می باشد. هم چنین پس از تلقیح مصنوعی چنین باید در رحم متقاضی کاشته شود که مجدداً مستلزم کشف عورت زن است.



صرفاً با والدین ژنتیکی تامین نمی شود، بلکه والدین قانونی یا اعتباری هم می توانند تأمین کننده ی نیاز محبت طفل باشند.

ثانیا، مواردی از قبیل نفقه و ارث را می توان از طریق وضع قوانین یا شرط ضمن عقد به هنگام انعقاد قراردادهای مربوط به اهدای چنین چاره جویی نمود.

ثالثاً، نه تنها هیچ معنی در شناخت والدین ژنتیکی نیست، بلکه حق فرزند حاصل از اهدای چنین برای دانستن منشا اصلی خود در برخی قوانین کشورها به رسمیت شناخته شده است.

ذکر این نکته ضروری است که گرچه شناخت هویت طفل حق وی می باشد و فی نفسه سخن درستی است، ولی کلام مورد استناد از رساله ی حقوق امام سجاد(ع) درصدد بیان آن نیست. بلکه این سخن مقدمه ای برای بیان مطالب دیگر است، زیرا امام در ادامه سخن می فرماید: (پس هرگاه در خود چیزی مشاهده کردی که به خودپسندیات انجامد، بدان که اصل وریشه ی این نعمت، پدرت است. پس خدا را ستایش کن و او را بر این نعمت سپاس گو.)

و درباره ی حق فرزند میفرماید:

((تو مسئول ادب و هدایت او به سوی خدا و حمایت او بر اطاعت خدا در مورد تو و خودش می باشی. در صورت انجام این مسئولیت پاداش می بری و در صورت کوتاهی، کیفر می بینی.))

دلایل نظریه تفکیک:

ابتدا به نظر می‌رسد پاسخ فقها در این مورد مطلق است. یعنی هم اهدای اسپرم بیگانه به منظور انتقال مستقیم به رحم زن و هم اهدای اسپرم بیگانه به منظور تلقیح یا تخمک در آزمایشگاه را شامل می‌شود. حال باید دید آیا فقهای مزبور در صدد بیان بوده‌اند تا اطلاق به دست آید. چه بسا اگر محل نزاع (تلقیح در آزمایشگاه) مورد سوال واقع می‌شد، فقها بین دو صورت مزبور تمایز قائل می‌شدند. مانند آقای صانعی که علی‌رغم آنکه وارد نمودن اسپرم اجنبی به رحم زن بیگانه را فی نفسه حرام می‌داند، اما تصریح می‌کند چنانچه تلقیح در محیط آزمایشگاه انجام شود، اشکالی ندارد.

۲- دلایل جواز اهدای جنین؛

جواز اهدای جنین نیاز به دلیل ندارد، بلکه همین که دلایل حرمت مخدوش گردد، جواز ثابت می‌شود. با این حال دلایلی برای جواز اهدای جنین قابل ارائه است:

۱- اصل برائت:

مقتضای اصل عملی در شبهه‌ی حکمیة تحریمیه، برائت است. اگرچه اخباریون قایل به احتیاط هستند. بنابراین در صورت شک در حلیت و حرمت اهدای جنین ((اصالة الحلیة)) جاری می‌شود.

در تحلیل و نقد دلیل فوق می‌توان مدعی شد:

اولاً، موارد مذکور به نفس اهدای جنین ارتباطی ندارد. به عبارتی عارض بر اهدای جنین است و جزو ذات آن نیست. بنابراین اگر بتوان تخمک را بدون نظر به عورت و اسپرم از طریق مشروع اخذ نمود و جنین را نیز بدون نگاه به عورت در رحم زن کاشت، این عمل منصف به حرمت نخواهد بود. نوشتار حاضر در صدد تبیین حلیت یا حرمت ذاتی اهدای جنین است و عوارض جانبی کار را مورد بررسی قرار نمی‌دهد.

ثانیاً، گاه نازایی منجر به صدمات شدید روحی، روانی و عصبی به زوجه، زوج یا هر دو می‌شود و چه بسا منجر به طلاق می‌گردد. در این صورت علاج آن ضرورت دارد و ((الضرورات تبیح المحذورات)).

ثالثاً، اگر حرمت نگاه به عورت دلیلی بر عدم جواز اهدای جنین است، چرا زایمان طبیعی که مستلزم نگاه به عورت است، دلیل بر حرمت حامله شدن طبیعی نیست؟! این در حالی است که اهدای جنین نوعی مداوای بیماری نازایی است و نگاه به عورت برای درمان روا می‌باشد.

۲- برتری اهدای جنین بر اهدای اسپرم:

اهدای جنین از دو جهت بر اهدای اسپرم رجحان دارد:

الف) حساسیت‌های موجود در سلول جنسی و اهدای اسپرم در اینجا وجود ندارد آنچه در اهدای جنین صورت می‌گیرد، انتقال جنین به رحم است، نه اسپرم یا تخمک. البته مقدمه اهدای جنین، اهدای اسپرم و تخمک به آزمایشگاه است، اما تلقیح آن دو در آزمایشگاه صورت می‌گیرد و هیچ گونه تماس مستقیم اسپرم با رحم بیگانه نیست و این مسئله در صدور رای جواز بسیار موثر است.

ب) در اهدای اسپرم، سلول جنسی به کمک وسایلی به طور مستقیم به رحم متقاضی منتقل می‌شود و نگرانی اختلاط میات مطرح است. زیرا احتمال ولو بسیار ضعیفی وجود دارد که طفل متولد شده از اسپرم شوهر باشد نه از اسپرم اهدایی، و این دلیل بر عدم جواز اهدای اسپرم بیگانه شمرده شده است. اما چنین نگرانی و مشکلی در اهدای جنین نیست. چون جنین در محیط آزمایشگاه به رحم منتقل می‌گردد و اختلاط اسپرم اهدا کننده با اسپرم شوهر زن صاحب رحم مطرح نمی‌باشد.

۳- ضرورت‌های فردی و اجتماعی:

بسیاری از افراد در اثر فقدان فرزند، دچار بیماری‌های روحی می‌شوند و حتی پس از

مراجعه مکرر به پزشکان، مشکل آنها لاینحل باقی می‌ماند. برخی به فرزند خواندگی روی آورده که آن هم مشکلات اجتماعی و روانی خاص خود را دارد. بدیهی است اگر چنین بیگانه‌ای در رحم زوجه پرورش یابد، احساس علقه‌ی مضاعفی نسبت به طفل در مقایسه با فرزند خواندگی پیدا می‌شود. ضمن آنکه مسائل محرمیت در اینجا کاملاً حل شده است. زیرا طفل متولد اگر پسر باشد با صاحب رحم به دلیل قیاس اولویت در مادر رضاعی، محرم خواهد بود و اگر دختر باشد با شوهر صاحب رحم به دلیل ربیبه بودن محرم خواهد بود. بدین سان کانون خانواده‌هایی که به دلیل فقدان فرزند یا وجود فرزندی بیگانه به سردی گراییده و از ثبات لازم برخوردار نیست، مستحکم و پایدار خواهد شد.



رحم مساوی با انتقال اسپرم یا تخمک به رحم نیست. به همین دلیل موانع شرعی مورد بحث در اهدای اسپرم در اهدای جنین وجود ندارد. با توجه به این دلایل و مؤیداتی چون ضرورت های اجتماعی و فردی در درمان نازایی نظریه ی جواز مطلق اهدای جنین برآیند نوشتار حاضر خواهد بود.

در انطباق اهدای جنین بر عقد بیع مناقشه جدی وجود دارد؛ زیرا اگر بتوان اطلاق بیع بر فرآورده های انسان از جمله اسپرم و تخمک را پذیرفت، ولی اطلاق بیع بر جنین انسان را نمی توان پذیرفت. همچنین گویی اینکه در انطباق اهدای جنین بر عقود معهوده ی دیگر مانند: هبه، اعراض، اذن، وکالت و صلح، نسبت به بیع مناقشات کمتری است. اما به دلیل اینکه جنین کرامت خاص خود را دارد،

اطلاق عناوین مزبور نسبت به وی در تعارض با ارزش والای انسان در تمام مراحل حیات است. به نظر می رسد لزومی ندارد مباحث جدید و مسایل مستحدثه زیر عناوین معهود فقهی و حقوقی گنجانده شود. بنابراین پیشنهاد می شود اهدای جنین به عنوان بخشی از فرایند درمان تلقی شده و اخذ عوض در برابر آن

نتیجه!

بر مبنای قرارداد خصوصی بین

بیمار و مراکز درمانی یا بیمار و ارایه دهندگان منشأ جنین، صورت پذیرد. همچنین از یک سو برآیند رد دلایل عدم جواز اهدای جنین و از سوی دیگر رد دلایل تفکیک بین موردی که صاحبان اسپرم زوجین باشند یا نباشند و استناد به اصالة الحلیة و اصالة البرائة؛ اهدای جنین جایز خواهد بود. در اهدای جنین تماس مستقیمی بین سلول های جنسی و رحم متقاضی صورت نمی گیرد و انتقال جنین به





قتل عمدی فرزند توسط پدر؛

نویسنده: محمد وفادار، مرتضی عزیزی

عدم قصاص پدر، به بررسی قتل
با تصمیم قبلی و قتل اتفاقی
درخصوص حکم فوق نیز
پرداخته شود.



مقدمه

در ارتباط با ماهیت قتل
عمدی در فقه و حقوق اسلامی
نظرات و دیدگاه‌هایی مطرح

شده است که به طور کلی محور رویکرد فقهی
در این پژوهش را تشکیل می‌دهد. اما آنچه
درواقع رویکرد اصلی تلقی شده، چالش‌ها و
اختلافات متعددی را پدید آورده است، قتل
عمدی فرزند توسط پدر و به اصطلاح امروزی
فرزند کشی است که در ابتدا به منظور تبیین
کلی، تعریفی از قتل ارائه می‌شود و سپس
با طرح ادله چهارگانه و مواد قانونی؛ رویکرد
متفاوت فقه و حقوق اسلامی به مساله بیان و
مختصراً بررسی خواهد شد.

در این جستار فقهی و حقوقی سعی شده
است ضمن بیان نظرات موافقان و مخالفان

مجازات و تعریف قتل عمدی :

در اصطلاح فقهی، قتل به عملی گفته
می‌شود که سبب سلب حیات از انسان
می‌شود و مرگ شخص را در پی دارد؛ که ممکن
است عمدی یا غیرعمدی باشد؛ بعلاوه حرمت
قتل نفس از جمله مسائلی است که در دین
مبین اسلام، از اهمیت بسیار برخوردار است
به گونه‌ای که برای ولی دم حق خون‌خواهی
پیش‌بینی شده است: لا تقتلوا النفس التي حرم
الله الا بالحق و من قتل مظلوماً ولیه سلطاناً

در حدیث ((انت و مالک لابیك)) را مستند به حرف لام می دانند که دال بر دو چیز است: ۱. انتفاء به پسر و اموال او. ۲. منتسب بودن پسر به پدر از جهت رابطهٔ فرزندی.

محاربه و افساد فی الارض :

گروهی دیگر از فقها که موافق قصاص پدر در مورد قتل عمدی فرزند هستند؛ استدلال می کنند که موضوع، قابلیت تطبیق با محاربه و افساد فی الارض را دارد. به این صورت که: تعریف محارب را صرفاً محدود به شخصی که آشکارا سلاح کشد و باعث ترساندن مردم شود و مخل نظم جامعه باشد نمی کنند و به بیان ساده هر عملی که شیوع آن سبب برهم زدن نظم و امنیت عمومی جامعه شود و افکار و احساسات عمومی را جریحه دار کند و خلاف اخلاق حسنه باشد را نیز از مصادیق محاربه و افساد فی الارض دانسته و فردی که چنین اعمالی را مرتکب می شود، مستحق مجازات مقتضی می دانند که بستگی به نوع سوء نیت در هر کدام دارد. البته ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که، گروهی محاربه و افساد فی الارض را دو جرم مستقل دانسته و گروهی دیگر نیز محاربه را از مصادیق افساد فی الارض می دانند. به عنوان مثال در مورد استقلال دو جرم گفته شده در محاربه، عنصر مادی که همان سلاح کشیدن است که یک نوع فعل می باشد. الزاما باید وجود داشته باشد.

(اسراء، ۳۳): و کسی را که خداوند خونس را حرام شمرده نکشید مگر به حق و آن کس که مظلوم کشته شده برای ولی او حق قصاص قراردادیم؛ همچنین در آیه ی (۱۷۸ سورهٔ بقره) نیز به وجود چنین حقی تصریح شده است. مطابق با آیات مذکور و باتوجه به کاربرد فعل امر و نهی که از لوازم احکام الهی هستند؛ استنباط می شود: حرمت قتل نفس و حق قصاص در موارد مقتضی یک حکم عام است و افراد متعدد را دربر می گیرد؛ اما آنچه محل اصلی بحث می باشد این است که، آیا با توجه به منابع حدیثی، اجماع فقها و عقل، اگر پدری فرزندش را عامدانه به قتل برساند مستوجب قصاص است یا خیر؟

شرط انتفاء ابوت :

گروهی از فقها مستند به احادیثی که از رسول اکرم (ص) نقل شده است؛ قائل به شرط انتفاء ابوت هستند و با احراز این مطلب پدر را مستحق قصاص نمی دانند، به عنوان مثال: پدر در برابر فرزندش قصاص نمی شود. (عاملی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۹) یا ((انت و مالک لابیك)) (التشريع الجنائي، عوده، عبدالقادر؛ نجفی، ۱۳۹۴ ق، ج ۴۱)؛ به علاوه از شیخ مفید و محقق حلی نیز چنین نقل است که: چنانچه پدری فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و باید دیه و كفاره بپردازد (مفید، ۱۴۱۰ ق)، (ابن فهدحلی، ۱۴۰۷ ق) همچنین برخی انتفاء ابوت

به علاوه باید به قصد ضربه زدن به نظم جامعه اسلامی باشد اما افساد فی الارض می تواند اعم از فعل یا ترک فعل باشد؛ همچنین گروه دیگر نیز که محاربه را از مصادیق افساد فی الارض می دانند به نتیجه ی فعل توجه دارند بدین گونه که: چنانچه عملی سبب برهم خوردن نظم و امنیت عمومی شود اگر به قصد آسیب به نظام اسلامی باشد محاربه و از مصادیق افساد فی الارض است و اگر نباشد صرفاً از مصادیق افساد فی الارض است.

در احادیث شک داریم که آیا پدر قصاص می شود یا خیر؛ عدم حکم قصاص پدر در باب قصاص ثابت است اما نسبت به عدم قتل پدر در باب محاربه و افساد، شبهه مفهومیه دائر میان اقل و اکثر وجود دارد. در موردی که مخصص منفصل باشد اجمال مخصص به عام سرایت نمی کند و اصله العموم جاری می شود، به این معنا که حکم محاربه و افساد بر پدر قاتل ثابت می گردد.

فرزند کشی در حقوق ایران :

آیه محاربه، (۳۳ سوره مائده) به عنوان مبنایی برای احکام محاربه استفاده شده که به گفته مفسران کسانی که امنیت عمومی جامعه را مختل کنند درواقع به جنگ با خدا و پیامبرش رفته و مطابق با آیه مذکور، به کشتن و به دارآویختن، تبعید و قطع دست و پا محکوم می شوند.

قابلیت تطبیق :

برخی بر این باورند که چنانچه حکم محاربه بر پدر ثابت شود باید شرط انتفای ابوت را در آن لحاظ کنیم اما در پاسخ به این مطلب باید متذکر شد که جرم محاربه مطلق است. بدین معنا که فرقی نمی کند چه کسی آن را مرتکب شود. همچنین گفته شده باتوجه به این که حکم اولیه قصاص در مورد همه انسان ها جاری می شود ولی در جایی دیگر

مجازات اصلی قتل عمد قصاص است (قاعده النفس بالنفس) اما قواعد عمومی قصاص دارای استثنائاتی می باشد. یکی از این استثنائات، شرط انتفای ابوت است. بدین معنا که اگر قاتل، پدر مقتول باشد ولو قتل عمدی باشد، قصاص نمی شود. این حکم در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ منصوص گردیده است. به موجب این ماده، پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد، قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد. با توجه به افزایش پدیده فرزند کشی درکشور، نگاهی نو به قوانین جزایی در خصوص این جرم و مجازات آن ضروری می نماید.

به قتل نمی‌رساند.

۳ پدر به دلیل علاقه شدید به فرزند نمی‌تواند او را به عمد بکشد و چنین قتلی تحت فشارهای روانی شدید است که به نوعی می‌توان گفت عنصر روانی قتل در این موارد کامل نیست.

این گروه در تبیین آراء خود به دلایل زیر استناد می‌کنند:

۱ پدر مسئول تربیت فرزندان است و در راستای تربیت آنها ممکن است اقداماتی را انجام دهد که منجر به قتل فرزند شود. به این صورت که ممکن است پدری به قصد

تربیت، چوبی بر سر پسر بزند و پسر کشته شود (نقدی بر لایحه قصاص ۵۲) البته این مورد که به آن استناد می‌کنند ناظر بر قتل شبه عمد است نه قتل عمد؛ زیرا در صورت فقدان عنصر روانی جرم، دیگر بحث قتل عمدی بی معنی است.

دیدگاه موافقان حکم عدم قصاص پدر

۲ پدر یا جد پدری فطرتاً خواهان سعادت فرزند خود می‌باشند (سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات/۱۶۷). اساساً پدر که در راه تامین نیازهای فرزندان از

هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند و سعادت طلبی وی برای فرزندش تاحدی است که حاضر است جانش را در راه فرزند بدهد، منطقی به نظر نمی‌رسد که پدر در مقابل فرزندش محکوم به اعدام شود، درخصوص این استدلال نیز باید توجه داشت که خیرخواهی و سعادت طلبی برای فرزند باکشتن او محقق نخواهد شد و پدر یا جد پدری از باب خیر خواهی فرزند خود را



در مقابل، گروهی که معتقدند پدر و جدّ پدری باید در قتل فرزند قصاص شوند دلایل ذیل الذکر را ارائه میکنند:

۱. مجازات باید جنبه بازدارندگی داشته باشد. آمارهای رسمی نشان از افزایش پدیده فرزندکشی در کشور دارند که خود بیانگر این مطلب است که مجازات تعیین شده برای این نوع جرم از بازدارندگی لازم برخوردار نیست. این گروه از حقوقدانان ماده ۲۲۰ ق.م.ا را قانونی جرم زا می دانند.

۲. در موارد قصد منجز به قتل و قتل با تصمیم قبلی، انگیزه پدر، در قتل با سایر قتل ها تفاوتی ندارد.

۳. اگر به استناد حدیث لا یقاد الوالد بولده پدر قصاص نشود، لفظ والد علاوه بر پدر، مادر را نیز شامل می شود و امروزه علم

پزشکی به طور قطعی ثابت کرده است که پدر و مادر هر دو سبب ایجاد فرزند می باشند، پس هر دو باید از قصاص معاف باشند اما مطابق ماده ۲۲۰ ق.م.ا و نظر برخی، در موارد شک به قدر متیقن اکتفا می کنیم. درخصوص الحاق مادر به حکم مذکور شک می کنیم و این شک باعث می شود به قدر یقینی (پدر و جدّ پدری) اکتفا کنیم و شخص دیگری را در حکم داخل

نکنیم. فلذا مادر در قتل عمدی فرزند قصاص می شود.

۴. پدر و مادر هر دومیست تربیت فرزندان هستند اگر عشق و علاقه مادر به فرزند بیشتر از پدر نباشد، کمتر نیست؛ و اگر عشق و علاقه نسبت به فرزند و سعادت خواهی برای او جواز بر این باشد که پدر قصاص نمی شود، مادر نیز نباید از این حکم مستثنی باشد، لیکن همان طور که بیان شد، مادر در قتل عمدی فرزند قصاص می شود.

بنا بر شرحی که گذشت، مشخص می شود که عدم قصاص پدر، حکمی تعبدی است و باید آن را تعبداً قبول کرد اما تناسب میان جرم و مجازات آن نیز باید رعایت شود. همان طور که برای دزدی خرد مجازات اعدام یا حبس ابد اعمال نمی شود، برای قتل یک انسان نیز دیه و تعزیر ۳ تا

۱۰ سال کافی به نظر نمی رسد. اگر مجازات در قبال جرایم سنگین خفیف باشد، موثر نخواهد بود و چه بسا مجرم را جری تر کند. فلذا یکی از راهکارها برای کمتر شدن چنین جرایمی تشدید تعزیر است. تشدید تعزیر به عنوان عاملی بازدارنده از وقوع جرایم مشابه بعدی پیشگیری می کند؛ همچنین اعمال آن در واقع حمایت بیشتر از حق مظلوم در برابر

دیدگاه مخالفان حکم عدم قصاص پدر

ظلمی که به وی صورت گرفته است. راهکار دیگری که می‌تواند مفید واقع شود، پیشگیری از وقوع جرم است. از آنجا که بسیاری از موارد قتل‌های خانوادگی و همچنین فرزندکشی در اثر تعصبات شدید و غلط، رویکرد نادرست در تربیت و ... است و نیازمند فرهنگ سازی است که نحوه برخورد

صحیح با فرزند و تربیت وی را بیاموزند به جای حذف فیزیکی او برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی به عنوان عامل مهمی در پیشگیری از وقوع پدیده فرزندکشی می‌تواند تاثیرگذار واقع شود.

دیدگاه مخالفان حکم عدم قصاص پدر





«لِزَوَالِ الدُّنْيَا أَهْوَنُ
عِنْدَ اللَّهِ مِنْ قِتْلِ
الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ» [۲]

نابودی دنیا از
کشته شدن انسانی
مسلمان نزد خداوند
سبک تر است.



به بهانه هفتاد و پنجمین سالگرد

تاسیس سازمان ملل متحد

نویسنده: احسان جعفری بگلو



بین‌المللی است و این امر به صراحت در ماده ۹۷ منشور تحت عنوان برترین کارمند سازمان ذکر شده است. دبیرکل از طرف مجمع عمومی بنا به توصیه شورای امنیت برای مدت پنج سال انتخاب می‌شود. در انتخاب دبیرکل توافق پنج عضو دائمی شورای امنیت و رأی هم‌سو در رکن اصلی سازمان ملل متحد ضرورت دارد. در منشور ملل متحد هیچ اشاره‌ای به مدت خدمت دبیرکل نشده است ولی در عمل ۵ سال می‌باشد که برای یک بار قابل تجدید است. سازمان ملل بر خلاف جامعه ملل تاکنون کسی از اتباع کشورهای قدرتمند به خصوص از اعضای دائم شورای امنیت را برای دبیرکلی انتخاب نکرده است (اعضای دائم

به بهانه هفتاد و پنجمین سالگرد تاسیس سازمان ملل متحد؛ نگاهی به وظایف، اختیارات و نحوه انتخاب دبیرکل این سازمان پس از پایان جنگ جهانی دوم در سپتامبر ۱۹۴۵ و تحت تاثیر وقایع جنگ های جهانی اول و دوم، در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ منشور ملل متحد به امضای ۵۰ کشور رسید و سازمان ملل متحد رسماً تشکیل شد و جایگزین جامعه ملل شد. در رأس سازمان ملل متحد، دبیرکل سازمان ملل متحد (Secretary-General of the United Nations) به عنوان سرپرست دبیرخانه سازمان ملل متحد قرار دارد. او در عمل سخنگو و رهبر سازمان ملل به‌شمار می‌رود. دبیرکل اولین کارمند

عهده دارد. دبیرکل به انتخاب خود دارای تعدادی معاون می‌باشد. هر معاون مسئولیت یک بخش از فعالیت‌های سازمان (مثل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مسائل سیاسی شورای امنیت و غیره) و مسئولیت یک رکن فرعی یا مقر اروپایی سازمان ملل را بر عهده دارد.

وظایف سیاسی دبیرکل

(۱) اجرای تصمیمات سیاسی سازمان (در این خصوص از امتیازات وسیعی در تفسیر تصمیمات برخوردار است)؛

(۲) ده ایفای نقش مهم در شورای امنیت به خصوص زمانی که گزارش خود را در خصوص مسائل جاری ارائه می‌دهد؛

(۳) اداره کردن انجام عملیات

حفظ صلح؛

(۴) ترتیب دادن کنفرانس‌های بین‌المللی؛

(۵) میانجیگری در حل اختلافات بین‌المللی؛

(۶) طبق منشور متوجه ساختن شورای امنیت و مجمع عمومی در زمانی که به عقیده وی صلح و امنیت بین‌المللی در خطر است؛

شورای امنیت سازمان ملل همچنین به عنوان پنج عضو دائم، پنج، یا P۵ شناخته می‌شوند، شامل پنج دولت: چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا است. این اعضا نماینده پنج قدرت بزرگ، یا گروه پیروز جنگ جهانی دوم هستند)

وظایف دبیرکل

از میان وظایف مختلف دبیرکل وظیفه سیاسی و دیپلماتیک او بسیار مهم‌تر از سایر وظایف و اختیاراتش است. برای مثال نقش دبیرکل در حل بحران کنگو، فیصله بخشی از ستیز عرب‌ها و

اسرائیل، برقراری مجدد روابط عادی میان گینه و فرانسه در ۱۹۷۵ بسیار شایان توجه است.

دبیرکل سازمان ملل متحد همچنین وظیفه انتخاب نماینده ویژه دبیرکل در امور ویژه و موارد مربوط به مناطق بحران‌زده را دارد.

وظایف اداری دبیرکل

انجام وظیفه به عنوان عالی‌ترین مقام اداری سازمان ملل متحد و بالاترین مقام مسئول در سلسله مراتب اداری دبیرخانه؛ انجام وظایف دیگری که به وسیله شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی سایر ارگان‌ها به او تفویض می‌شود و اجرای تصمیمات ارکان مختلف سازمان.

دبیرکل، وظیفه دبیرکلی ارکان اصلی سازمان به استثنای دیوان بین‌المللی دادگستری را نیز بر

(۷) دعوت به تشکیل شورای امنیت در مواقع لزوم؛

(۸) حق حضور در جلسات ارکان سازمان ملل متحد و دادن اعلامیه‌های شفاهی و اعلامیه‌های کتبی به آن‌ها؛

(۹) قرار دادن هر مسئله‌ای که به نظر وی ضروری است در دستور کار مجمع عمومی (طبق ماده ۱۳ مقررات مجمع عمومی)؛

(۱۰) شرکت در جلسات نهادهای سازمان، مشورت با رهبران جهان، مقام‌های دولتی نمایندگان گروه‌های جامعه مدنی، بخش خصوصی و افراد؛

(۱۱) سفر به سراسر جهان به منظور حفظ تماس با مردم کشورهای عضو؛

(۱۲) در صورت تمایل، می‌تواند به ابتکار و به عنوان شخص خود و نه از طرف سازمان ملل، سخنگوی منافع مردم جهان در صحنه بین‌المللی باشد.

وظیفه اطلاعاتی دبیرکل

(۱) تسلیم گزارش سالانه درباره کار سازمان، ارزیابی فعالیت‌ها و اقدامات سازمان و مشخص کردن اولویت‌های آینده به مجمع عمومی عادی؛
(۲) ثبت و انتشار معاهدات بین‌المللی؛

۱. تریگوو لی، تبعه نروژ، از فوریه ۱۹۴۶ تا ۱۰ نوامبر ۱۹۵۲.

۲. داگ هامر شولد، تبعه سوئد، از آوریل ۱۹۵۳ تا سپتامبر ۱۹۶۱.

۳. او تانت، تبعه میانمار، از نوامبر ۱۹۶۱ تا دسامبر ۱۹۷۱.

۴. کورت والد‌هایم، تبعه اتریش، از ژانویه ۱۹۷۲ تا آخر دسامبر ۱۹۸۱.

۵. خاویر پرز دوکوئیار، تبعه پرو، از ژانویه ۱۹۸۲ تا آخر دسامبر ۱۹۹۱.

۶. پطروس پطروس غالی، تبعه مصر، از ژانویه ۱۹۹۲ تا دسامبر ۱۹۹۶.

۷. کوفی عنان، تبعه غنا، از اول ژانویه ۱۹۹۷ تا دسامبر ۲۰۰۶.

۸. بان کی مون، تبعه کره جنوبی، از اول ژانویه ۲۰۰۷ تا دسامبر ۲۰۱۶.

۹. آنتونیو گوترش، تبعه پرتغال، از اول ژانویه ۲۰۱۷ تا کنون.

لیست دبیران کل سازمان ملل متحد از آغاز تا کنون:

از بدو تاسیس سازمان ملل تا کنون افراد مقابل به سمت دبیرکلی سازمان ملل برگزیده شده‌اند:





فرار داغ

تهیه شده توسط : نفیسا بنانیری ، زهرا حمیدی ، رضا رادپور

فرار زندان قزلحصار از زبان یکی از پرسنل زندان!!!

تلفن دفتر زنگ خورد، آن طرف خط راننده کامیون کارخانه جات بود که خبر داد: «روبروی کاخ شمس دو زندانی از داخل کامیون گریخته‌اند.» متعاقباً بنده به همراه مدیر زندان با سرعت به منطقه‌ای که راننده اطلاع داده بود اعزام شدیم؛ ضمن اینکه در مسیر با گروه ضربت زندان، جهت دستگیری متواریان و با مرکز آمار و رایانه، جهت دریافت مشخصات و کارت عکس زندانیان متواری هماهنگی به عمل آوردیم.

در پی آن مشخص شد یک زندانی محکوم به ۲۰ سال حبس بابت خرید و فروش مواد مخدر و تحمل سه سال حبس از دوره مجازات خود و

زندانی دیگری محکوم به پنج سال حبس به جرم خرید و فروش مواد مخدر و گذراندن سه سال از دوره محکومیت خویش، متواری شده‌اند.

ما به محل توقف کامیون رسیدیم؛ اما از کامیون خبری نبود و راننده تنها آنجا ایستاده بود.

راننده پیش آمد و ما از او پرسیدیم چه اتفاقی افتاده است؟ او گفت: «در حین عبور از منطقه به یکباره کامیون از حرکت ایستاد، پیاده شدم و همین که در موتور را جهت بررسی باز کردم دو زندانی از موتور بیرون پریده و هرکدام به طرفی گریختند. یکی از آن‌ها به داخل کاخ شمس رفت و دیگری به سمت مخالف آن گریخت؛ با خود گفتم جا برای اتلاف وقت نیست و خودم پیاده به دنبال یکی از آن‌ها که در جهت مخالف کاخ دویده بود رفتم. پس از پیچ و خم بسیار و کمی درگیری موفق به

نقشه تعیین شده فرد متواری دوم هم دستگیر و روانه زندان شد.

قبل از شنیدن اعترافات متواری لازم به ذکر است که بدانید :

* در زندان قزلحصار چندین کارگاه و کارخانه جهت مشغول شدن زندانیان و کار در آن ها احداث شده است: از جمله کارگاه خیاطی، کفاشی، تراشکاری و...

* به هنگام بارگیری اقلام برای بیرون از زندان یک سرباز از قرارگاه جهت نظارت بر بارگیری اعزام می شود و تا پایان بارگیری پشت خودرو می ماند. بار آن روز هم پوتین برای ارتش بود و سرباز پشت ماشین مشغول نظارت بود غافل از آن که فرار از جلوی ماشین برنامه ریزی شده است.

اعترافات متواری:

از قبل برای فرار برنامه ریزی کرده بودیم و هنگامی که در کارخانه مشغول کار بودیم، کامیون حمل بار و زمان فرار ما سر رسید. هرکدام مان در طرفی از موتور قرار گرفتیم و یکی دیگر از زندانی های مشغول به کار در موتور را برای ما بست تا کسی متوجه حضور ما در موتور نشود. (هرگز نامی از کسی که در را برای آن ها بسته بود برده نشد و زندانیان ادعا کردند او را به نام نمی شناختند)

دستگیری یکی از زندانی ها شدم و او را به پاسگاه روبری کاخ تحویل دادم و با زندان تماس گرفتم. وقتی بازگشتم کامیون نبود.»

به همراه مدیر زندان و راننده کامیون، جهت یافتن کامیون حرکت کردیم و به ریل راه آهن رسیدیم و با کامیون بدون راننده مواجه شدیم. مردم اطراف کامیون تجمع کرده بودند. یکی می گفت دیدم همین که برای عبور قطار راهبند را پایین آوردند راننده از ماشین پیاده شد و فرار کرد، دیگری می گفت اصلا این ماشین راننده نداشت. هرکس چیزی می گفت به هر حال ما آن یکی زندانی را

هم از پاسگاه برداشتیم و جهت تحقیقات بیشتر روانه زندان شدیم. بعد از تحقیقات و اعتراف گرفتن از متواری دستگیر شده، متوجه شدیم فردا شب این دو نفر با یکدیگر در منزل متواری دستگیر شده قرار ملاقات دارند. بنابراین طی یک برنامه ریزی بنا بر آن شد و انمود کنیم فرد دستگیر شده موفق به فرار شده است؛

در پی آن زندانی را به همراه شماری از همکاران به خانه اش فرستادیم و منتظر بودیم تا متواری به منزل این زندانی مراجعه کند و ما او را دستگیر کنیم. اما متاسفانه فرد متواری یکی از همکاران ما را در نزدیکی خانه مشاهده کرده بود و پس از دو ساعت تاخیر تماس گرفت و گفت: «یکی از عوامل زندان را نزدیک منزل شما دیدم و نیامدم.» وقراری برای دو شب بعد در منزل یکی از دوستان مشترکشان گذاشت.

پس از تلاش های بسیار بعد از یک هفته، طبق



برصدای موتور سرسام آور، باد به رادیاتور می‌خورد و پروانه ماشین برای خنک کردن موتور آن را به داخل میکشید و دما زیادت‌ر می‌شد و از طرفی هم آگروز موتور سرخ شده بود و نیم متری آن هم نمی‌شد رفت، آن قدر هوا گرم و سوزان بود که خیال می‌کردیم پوست از تنمان کنده می‌شود.

من فنی کار و راننده کامیون بودم. دیدم که دیگر راهی نداریم یا از موتور می‌افتیم و می‌میریم یا از شدت گرما پوست تنمان کنده می‌شود و می‌سوزیم؛ به همین دلیل دست انداختم و خفه کن ماشین را کشیدم و کامیون خاموش شد.

راننده پیاده شد و در کاپوت را باز کرد که ببیند چه اتفاقی افتاده است و در همین زمان ما طبق برنامه ریزی قبلی هرکدام به جهت مخالف دیگری گریختیم.

دوستم به طرف ساختمان‌های مهرشهر گریخت و من هم وارد کاخ مهرشهر شدم و زمانی که وارد کاخ شدم متوجه شدم اوضاع نابسمان است و نزدیک است گیر بیافتم. بنابراین از دیوار کاخ خارج شدم و دیدم که راننده به دنبال دوستم کیلومترها دور شده است و من هم فرصت را غنیمت شمردم و به سرعت سوار کامیون شدم و گریختم تا به راه آهن رسیدم. همزمان با رسیدن من سوزن‌بان راهبند

یک ربع طول کشید تا بارگیری تکمیل شود و کامیون به حرکت در بیاید. این یک ربع برای ما به اندازه ۲۰ سال زمان برد. زمانی که ماشین راه افتاد ما احساس کردیم یک قدم به آزادی نزدیک‌تر شده‌ایم. مسیر را حدس می‌زدیم، کامیون حرکت کرد و از در کارخانه خارج شد و به درب قرارگاه رسید.

آنجا بازرسی مجدد صورت می‌گرفت و سربازان پشت و صندلی‌ها را نگاه کردند و برگه ای مبنی بر اینکه زندانی ای در ماشین نیست امضا کردند. استرس فراوانی تمام وجودمان را فرا گرفته بود و هر لحظه منتظر گیر افتادن بودیم. بعد از مدتی سرباز گفت در را بزن، و ما فکر کردیم دیگر آزاد شده‌ایم. ماشین حرکت کرد (از جلوی در تا درب زنجیری زندان ۷۰۰ متر راه است) دنده یک و دو و سه تا ماشین ایستاد و به در رسیدیم. هر لحظه موتور داغ میشد و صدای آن دیوانه کننده بود اما آزادی ارزشش را داشت.

ماشین از در زنجیری هم که رد شد دیگر مطمئن شدیم آزاد شده‌ایم. کامیون به سوی کیانمهر و ادامه مسیر داد و همچنان دمای موتور افزایش پیدا می‌کرد اما قابل تحمل بود.

وقتی ماشین به بلوار ارم (کاخ شمس آباد) رسید راننده با دنده پنج درحال حرکت بود، علاوه

در اواخر سال ۹۸ و در ابتدای سال ۹۹ زندانیان فراوانی در گوشه و کنار کشور دست به شورش و فرار زدند که از آن جمله می‌توان به زندان‌های پارسیلون و عادل آباد و سقز و ... اشاره کرد.

موقعیت زندان‌ها به دلیل تعداد زیاد زندانیان و ناممکن بودن اجرای تدابیری مانند قرنطینه و فاصله‌گذاری اجتماعی یا رعایت بهداشت و شست‌وشوی مرتب دست با صابون بسیار بحرانی‌تر از پادگان‌ها بوده و هست.

دستگاه قضائی جمهوری اسلامی ۱۳ اسفند ماه اعلام کرده بود که با مرخصی بیش از ۵۰ هزار زندانی به دلیل شرایط کشور و شیوع کرونا موافقت کرده است.

نایب رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس دلیل شورش و فرار زندانیان را صرفاً بی‌اعتمادی نمی‌داند. محمد کاظمی معتقد است که «کم شدن اعتماد مردم به مقامات

اختصاص به زندان و زندانیان ندارد». او با طرح این پرسش که «مگر مردم عادی ما که خارج از زندان هستند و در جامعه زندگی می‌کنند اعتمادشان به کارگزاران و مسئولان ۱۰۰ درصد است؟»، می‌گوید که «این اعتماد نسبی است و ما نمی‌خواهیم بگوییم که جامعه اعتماد قطعی دارد اما زندانیان ندارند». به گفته او، این کم‌اعتمادی و مسائلی که ناشی از عملکرد مسئولان است در همه جای جامعه و در بین همه اقشار وجود دارد. کاظمی ضریب این بی‌اعتمادی را در بین همه افراد جامعه

را جهت عبور قطار پایین آورد. فوراً از ماشین پیاده شدم و قبل از رسیدن قطار از راه آهن عبور کردم و پس از رسیدن قطار پشت آن دویدم تا مردم متوجه نشوند به کدام طرف فرار می‌کنم. خودم را به اتوبان رساندم و برای هر ماشینی که رد می‌شد دست و پا می‌زدم تا بالاخره ماشینی ایستاد و من سوار شدم به راننده گفتم فقط من را از اینجا دور کن و او مرا به تهران برد و به خانه رفتم.

*از آن فرار به بعد جلوی همه درب‌های خروجی زندان چاله سرویس کنده شد، تا هر ماشینی که عبور می‌کند توسط سرباز زیر و موتورش هم بررسی شود.

حکم دو زندانی:

زندان اول با پنج سال حبس به دلیل همکاری با پرسنل زندان جهت دستگیری زندانی دیگر قول مساعدت گرفته و تبرعه شد و محکومیتی برای فرارش در نظر گرفته نشد. از سرنوشت نفر دوم نیز مستنداتی در دست نمی‌باشد اما از آنجایی که فرار در زمان تصدی مرحوم آیت الله شاهرودی صورت گرفته بود و نظر ایشان بر آن بود که فرار حق زندانی است؛ اگر نه به زندان و زندانبان نیاز نبود و نیز براساس صحبت‌های شماری از زندانبان‌های آن زمان متواری دوم از بابت فرار تبرعه گردیده است.

فرار در پی شیوع ویروس کرونا

حکم دو زندانی

فرار در پی شیوع کرونا



بالا می‌داند و معتقد است که این بی‌اعتمادی روز به روز هم در حال افزایش است. به عقیده این عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، زندانی به دنبال «آزادی» است و بهانه آزادی‌اش هم حالا این ویروس و مریضی است. او می‌گوید که هیچ زندانی دلش نمی‌خواهد در زندان بماند و طبیعی است که به دنبال راه فرار یا گریزی از زندان است.

این نماینده مجلس معتقد است این شورش‌ها به دلیل «ترس، نگرانی و دغدغه آلوده شدن به این بیماری» شکل گرفته‌اند.

به گفته این عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، ویروس و بیماری کرونا بین همه مردم وحشت و اضطراب ایجاد کرده و طبیعی است که زندانیان و محکومان و متهمانی هم که در زندان‌ها به صورت جمعی نگهداری می‌شوند، از این موضوع مستثنی نیستند و برایشان نگرانی‌هایی به وجود می‌آید. او تأکید می‌کند که این نگرانی در بعضی از زندان‌ها باعث نشان دادن عکس‌العمل‌های شدید شده است.

کاظمی معتقد است که وقتی زندانیان احساس می‌کنند که همبندان‌شان مبتلا به کرونا هستند، فکر می‌کنند که نباید در نزدیکی آنها باشند و به همین دلیل درخواست مرخصی می‌کنند و وقتی با مرخصی‌شان موافقت نمی‌شود، طبیعی است شاهد این حوادث باشیم.

این نماینده اصلاح طلب مجلس دهم معتقد است که دستور رییس دستگاه قضا برای آزادی زندانیان، دستوری جامع‌الاطراف بود و حق بود که مسئولان قضایی در استان‌ها و شهرستان‌ها با وسعت نظر برخورد کنند و هر تعداد از زندانیان که امکان دریافت مرخصی داشتند را آزاد کنند تا جمعیت کیفری ما در زندان‌ها کاهش یافته و در نتیجه آلودگی به زندان‌ها ورود پیدا نکند.

کاظمی البته به این نکته اذعان دارد که نمی‌توان همه زندانیان را آزاد کرد و درباره آن چنین توضیح می‌دهد: «باید به این موضوع هم توجه کنیم که برخی زندانیان کشور به دلیل جرایم سنگین و خطرناک در زندان هستند و گاهی ممکن است که فرد به اتهام سرقت مسلحانه یا قتل زیر حکم قصاص باشد و طبیعی است که این افراد را با توجه به اینکه حق الناس بر گردن‌شان است یا ولی دم مدعی‌شان هست یا شاکی خصوصی دارند، نتوانند آزاد کنند. این دسته از زندانیان اگر آزاد شوند ممکن است

زمینه بازگشت‌شان به زندان وجود نداشته باشد و در نتیجه دستگاه قضایی با شکایت شاکیان خصوصی مواجه شود.» این عضو کمیسیون حقوقی و قضایی با تأکید دوباره بر اینکه «در هر صورت الزاماً تعدادی از زندانیان یا محکومان را نمی‌توان آزاد کرد»، به همکاران قضایی‌اش در استان‌ها، شهرستان‌ها و محاکم و در اجرای احکام

**ویروس و بیماری
کرونا بین همه مردم
وحشت و اضطراب
ایجاد کرده و طبیعی
است که زندانیان
و محکومان و
متهمانی هم که در
زندان‌ها به صورت
جمعی نگهداری
می‌شوند، از این
موضوع مستثنی
نیستند و برایشان
نگرانی‌هایی به وجود
می‌آید.**

موارد به صورت عمدی و برخی از موارد با خطای جزایی ارتکاب می‌یابند. برخی از جرایم مورد بحث نیز از نظر ماهیت معاونت در جرم هستند؛ که به صورت خاص جرم انگاری شده‌اند.

به استناد ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی، هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید تا ۷۴ ضربه شلاق یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود. اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تامین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره- زندانیانی که مطابق آیین‌نامه زندان‌ها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی ننمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم می‌گردند.

ماده ۵۴۸:

هرگاه ماموری که موظف به حفظ یا ملازمت یا مراقبت متهم یا فرد زندانی بوده در انجام وظیفه مسامحه و اهمالی نماید که منجر به فرار وی شود، به شش ماه تا سه سال حبس یا جزای نقدی از سه تا ۱۸ میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴۹:

هرکس مامور حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف شده‌ای باشد و مساعدت در فرار نماید

دادسراها توصیه می‌کند که «از این دستور آقاي ریسمی تفسیر موسع داشته باشند و سعی کنند که هر چه بیشتر آن افرادی که می‌توان با سند آزاد کرد و به مرخصی فرستاد را از زندان آزاد کنند تا شاهد این اتفاقات ناگوار در زندان‌های کشور نباشیم.»

البته فرار و شورش زندانیان در طول شیوع ویروس کرونا تنها در زندان‌های ایران خلاصه نمی‌شود؛ در کشورهای مختلف، زندانیان کشورهای دیگری از جمله برزیل و ایتالیا هم دست به فرار و شورش زدند.

در مجموع فرار مجرمان و متهمان از جمله جرایمی است که باعث می‌شود نتیجه اعمال دستگاه

قضایی به ثمر نرسند. از همین رو این جرایم را در تقسیم بندی کلی در زمره جرایم علیه عدالت قضایی می‌نامند که در مرحله اجرای حکم به وقوع می‌پیوندد.

جرم فرار زندانیان، به طور خاص شامل فرار از زندان یا بازداشتگاه می‌گردد. اما در بررسی این عنوان به طور کلی جرایم دیگری نیز هستند که با آن ارتباط نزدیک دارند و همه آنها مشمول عنوان فرار زندانیان می‌گردند. این جرایم شامل همکاری ماموران و افراد عادی در فرار، تقصیر منجر به فرار، دادن اسلحه به زندانی برای فرار و همچنین جعل ادله جرم و مخفی کردن فرد فراری است.

جرایم مورد بحث از لحاظ رکن مادی هم به صورت فعل و هم به صورت ترک فعل قابل ارتکاب‌اند و از لحاظ رکن روانی نیز در برخی از

قوانین مربوط به فرار

مال محکوم به نیز خواهد بود.

ماده ۵۵۰:

هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی که طبق قانون مامور دستگیری کسی بوده و در اجرای وظیفه دستگیری مسامحه و اهمال کرده باشد به پرداخت یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مسامحه و اهمال به قصد مساعدت بوده که منجر به فرار وی شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شود.

ماده ۵۵۱:

اگر عامل فرار از مامورین مذکور در ماده ۵۴۹ نباشد و عامداً موجبات فرار اشخاصی که قانوناً زندانی یا دستگیر شده اند را فراهم آورد به طریق ذیل مجازات خواهد شد.

الف: چنانچه زندانی محکوم به اعدام یا حبس دائم یا رجم یا صلب بوده مجازات او یک تا سه سال حبس و اگر زندانی متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است مجازات از شش ماه تا دو سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا مجازات قانونی توقیف شده غیر از موارد فوق الذکر باشد، مجازات او سه ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

ب: اگر زندانی محکوم به قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می شود و تا تحویل وی

یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار وی تبانی و مواضعه نماید به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

الف: اگر توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است و یا زندانی به یکی از این مجازات ها محکوم شده باشد به سه تا ده سال حبس و اگر محکومیت محکوم علیه حبس از ده سال به بالا باشد و یا توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن حبس از ده سال به بالاست به یک تا پنج سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا اتهام توقیف شده غیر از موارد فوق الذکر باشد به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ب: اگر زندانی محکوم به قصاص یا توقیف شده متهم به قتل مستوجب قصاص باشد، عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می شود و تا تحویل وی در زندان باقی می ماند و چنانچه متهم غیابا محاکمه و برائت حاصل کند و یا قتل شبه عمد یا خطئی تشخیص داده شود عامل فرار به مجازات تعیین شده در ذیل بند (الف) محکوم خواهد شد و اگر فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود چنانچه محکوم به قصاص باشد فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.

ج: اگر متهم یا محکومی که فرار کرده محکوم به امر مالی یا دیه باشد، عامل فرار علاوه بر مجازات تعیین شده در ذیل بند الف ضامن پرداخت دیه و

ماده ۵۵۴:

هرکس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

منابع:

- * خاطرات یک زندانبان
- * کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی
- * پایگاه خبری افتاب
- * پایان نامه بررسی رویکرد حقوق کیفری ایران در قبال فرار زندانیان، نگارنده: احمد جباری نسب، زمستان ۹۳
- * ویکی پدیا
- Tabnak.ir
- En.Irna.ir
- Icana.ir
- Mehrnews.com
- Khabarban.com
- Tnews.ir
- Tasnimnews.com
- Isna.ir



در زندان باقی می ماند. چنانچه فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.

ماده ۵۵۲:

هرکس به شخص زندانی یا توقیف شده برای مساعدت به فرار اسلحه بدهد به حبس از دو تا پنج سال محکوم می شود.

ماده ۵۵۳:

هرکس شخصی را که قانونا دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانونا امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

چنانچه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام یا رجم یا صلب یا قصاص نفس و اطراف و یا قطع ید بوده مجازات مخفی کننده یا کمک کننده او در فرار، حبس از یک تا سه سال است و اگر محکوم به حبس دایم یا متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا صلب است محکوم به شش ماه تا دو سال حبس خواهد شد و در سایر حالات مجازات مرتکب یک ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

تبصره - در صورتی که احراز شود فرد فراری دهنده و یا مخفی کننده یقین به بی گناهی فرد متهم یا زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد.

فرار زندانیان زندان پارسیلون خرم آباد ۲۹ اسفند ۱۳۹۸

مقامهای محلی و قضایی تایید کرده‌اند که ۲۳ نفر از زندانیانی که در زندان پارسیلون خرم آباد در آخرین روز سال ۱۳۹۸ خورشیدی از زندان گریخته‌اند

الوند همدان شنبه ۹ فروردین ۹۹

زندانیان زندان الوند همدان دست به شورش زدند و ده‌ها تن از آنان موفق به فرار شدند. زندانیان این زندان بخشی از زندان را آتش زدند و با نگهدارندگان درگیر شدند. از سوی زندانبانان به سوی زندانیان بی‌دفاع شلیک شد.

فرار زندانیان زندان مرکزی تبریز در ۷ فروردین ۹۹

برخلاف دروغ‌گویی‌های مقامات تبریز، خبرگزاری فارس شورش و فرار زندانیان تبریز را تایید کرد. بنا به گزارشات رسیده از داخل زندان، ابتدا چندین نفر از زندانیان بند ۹ با خلع سلاح کردن ۲ سرباز، اقدام به تیراندازی نموده و سایر زندانیان را گروگان گرفته و اجازه ورود و خروج به هیچ شخصی را نمی‌دادند.

شورش زندانیان مهاباد یکشنبه ۹ فروردین ماه ۹۹

زندانیان در زندان مهاباد در اعتراض به خودداری مقامات قضایی از آزاد کردن زندانیان در بحبوحه شیوع ویروس کرونا در زندان، دست به شورش زدند. در جریان این شورش، ده‌ها زندانی از بندهای طبقه دوم این زندان، پس از درگیر شدن با زندانبانان، موفق به فرار شدند. پس از شورش و فرار ده‌ها تن از زندانیان زندان مهاباد، نیروهای امنیتی و یگان ویژه خیابان زندان مهاباد را مسدود کردند و جهت جلوگیری از فرار سایر زندانیان اقدام به تیراندازی کردند که منجر به کشته و زخمی شدن پنج نفر از زندانیان شد.

زندان سپیدار اهواز



زندان مرکزی همدان



زندان مرکزی سقز



شورش زندانیان سپیدار اهواز در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۹۹

زندانیان بند مردان زندان سپیدار اهواز شامگاه دوشنبه ۱۱ فروردین به دلیل عقب افتادن مرخصی زندانیان اقدام به شورش کردند و برای مدتی کوتاه کنترل افسر نگهبانی را در داخل بند را به دست گرفتند. دست کم ۷۰ زندانی از زندان گریختند و احتمالاً دو زندانی هم در حین فرار جان باختند.

شورش زندانیان سقز سه شنبه، ۲۶ فروردین ۱۳۹۹

شمار زندانیان گریخته از زندان سقز را ۷۴ نفر اعلام کرده و گفته تنها هشت نفر از آنها هنوز بازداشت نشده اند که «جزء مجرمین خطرناک نیستند».

مصاحبه

مصاحبه شونده: مصطفی رضایی

مصاحبه کننده: سید محمد رضا حسینی

وکیل پایه یک دادگستری



به طور کلی مزیت های چک ها در اسناد و معاملات تجاری چیه ؟

دو مزیت مختص چک هستند و در بقیه اسناد (سفته و چک) چنین مزایایی وجود ندارد .
 ۱- حکم سند لازم الاجرا بودن چک
 ۲- تعقیب کیفری صادرکننده چک

حکم سند لازم الاجرا بودن چک یعنی چه؟

اسناد لازم الاجرا اسنادی هستند که برای وصول آنها نیاز به مراجعه به دادگاه نیست . چک به موجب ماده ۲ قانون صدور چک در حکم سند لازم الاجرا محسوب می شود بدین منظور که وقتی جهت افتتاح حساب جاری به بانک مراجعه میشود بانک از متقاضی نمونه امضا می گیرد و تحت شرایطی به او دسته چک می دهد و بانک برای پرداخت چکهای مشتری خود امضای مندرج در چک را با نمونه امضای موجود در بانک تطبیق می دهد در صورت مطابقت امضا و داشتن موجودی چک پرداخت می شود در صورت عدم مطابقت امضاها یا مذكور چک برگشت می خورد . در صورتی که برگشت خوردن چک بعلت عدم مطابقت امضا نباشد بلکه بعلت کسر یا نبودن

موجودی باشد می توان مبلغ چک را از طریق اجرای ثبت وصول نمود .
 در صورتی که برگشت خوردن چک بعلت عدم

مطابقت امضا نباشد بلکه بعلت کسر یا نبودن موجودی باشد می توان مبلغ چک را از طریق اجرای ثبت وصول نمود .

در اجرای ثبت از متقاضی اجرا خواسته می شود که اموال صادرکننده را معرفی کند تا از طریق مزایده فروخته و طلب طلبکار پرداخت گردد . قابل ذکر است که از طریق اجرای ثبت فقط اموال صادرکننده قابل توقیف است و اموال ظهرنویسان (پشت نویسان) و ضامنان قابل توقیف نمی باشد .

در مواقعی که چک به نمایندگی صادر می شود یعنی صادرکننده غیر از صاحب حساب است برای

چک وعده دار به چه نوع چکی گفته میشود ؟

چکی است که قبل از تاریخ مندرج در آن صادر شده باشد یا به عبارتی چکی است که تاریخ واقعی صدور آن قبل از تاریخ مندرج در آن باشد. چکی است که برای تاریخ آینده صادر شود. **دادگاه از کجا تشخیص دهد که چک وعده دار است ؟**

وقتی که برای شکایت به دادسرا مراجعه شود، از شاکی می پرسند که چک را در چه تاریخی از صادرکننده دریافت کردید ؟ چنانچه اقرار شاکی به گرفتن چک در قبل از تاریخ مندرج در آن باشد در واقع اقرار به وعده دار بودن کرده است و دادسرا پرونده را مختومه اعلام می کند. اما چنانچه شاکی اقرار به وعده دار بودن نکند صادرکننده چک بوسیله دادسرا احضار می شود و چنانچه ثابت کند که چک وعده دار بوده است اثبات وعده دار بودن با هر وسیله ای دلیلی می گیرد مانند شهادت، ارائه سند و سایر امارات، که در این صورت پرونده بسته می شود و طلبکار می بایست به دادگاه حقوقی برود و در آنجا اقامه دعوا نماید.

چک تضمینی رو همیشه تعریفی بکنید ؟

خب به طور کلی چکی است که بابت تضمین معامله یا تضمین انجام کاری صادر شده باشد مثل چک تخلیه منزل. چک هایی که تضمینی هستند کیفری محسوب نمی شوند.

صاحب حساب شرکت است ولی صادرکننده چک ، مدیرعامل شرکت آن است اگر چک برگشت بخورد هم می توان اموال صاحب حساب را توقیف کرد و هم اموال صادرکننده و حتی می شود اموال هر دو را توقیف کرد.

نکته ای که اینجا وجود دارد اینست که چنانچه دارنده چک به اموال صادرکننده دسترسی نداشته باشد از طریق اجرای ثبت به طلب خود نمی رسد زیرا وصول طلب از طریق اجرای ثبت منوط به توقیف اموال صادرکننده است ، در این حالت دارنده مجبور است به دادگاه مراجعه کند.

تحت چه شرایطی چک جنبه کیفری پیدا می کند ؟

ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ صدور (تاریخ مندرج در چک) ، چک برگشت بخورد ، چک فقط یک تاریخ دارد و آن هم تاریخ صدور است و تاریخ سررسید ندارد و سررسید چک همیشه به رویت است پس برای اینکه چک جنبه کیفری داشته باشد دارنده آن می بایست از تاریخ صدور تا ۶ ماه به بانک مراجعه کرده و برگشت بزند و اگر بیش از آن مدت بگذرد باشد چک جنبه کیفری خود را از دست می دهد. همچنین دارنده چک می بایست ظرف ۶ ماه از تاریخ برگشت ، شکایت کند.

اگر چک یکی از انواع چک های وعده دار ، تضمینی ، مشروط ، سفیدامضاء و بدون تاریخ نباشد ، کیفری محسوب نمی شود.

چک مشروط رو هم اگر لطف کنید ؟

چکی است که پرداخت آن مشروط به شرط است . برای مثال نوشته می شود که مبلغ ۵۰۰۰۰۰ تومان که پرداخت آن مشروط به انجام فلان کار است. مثلاً معامله ی ماشین است و فروشنده به جای پول نقد چک صادر می کند و می نویسد که پرداخت این چک مشروط به تحویل خودرو است به چنین چکی چک مشروط می گویند

خب از نظر بانک این شرط باطل است و بانک نباید به شرط اعتنا کند و اگر چک مشروط باشد جنبه کیفری ندارد .

چک سفید امضاء چه نوع چکی هست ؟

چکی است که فقط امضا دارد و بقیه محتویاتش سفید هستند .

چک بدون تاریخ چگونه؟

چکی است که فقط تاریخ ندارد .

چنین چکهایی جنبه کیفری ندارند و حتی اگر مهلت ها رعایت شوند طبق اصلاحیه قانون صدور چک در سال ۱۳۸۲ نه تنها چک های مزبور جرم نیستند بلکه اگر هم برگشت بخورند جنبه کیفری ندارند علتش هم این بود که در ۱۳۸۲ زندانها پر از زندانیان چک شده بود.

نظرتون راجب قانون جدید چک ها چیست؟

با اشاره به اینکه در دنیا از چک به عنوان سند حال استفاده می شود میتوان گفت که چک دارای امتیازات اضافی مفسده انگیزی است در حالی که برات و سفته به عنوان دو سند تجاری مدت دار اصیل چنین امتیازاتی ندارند.

قانونگذار ما از میان برات سفته و چک به عنوان سه سند تجاری مهم امتیازات بیشتری را برای چک قائل شده اس از منظر حقوق تجارت هر سه این اسناد جزء اسناد عادی تجاری محسوب می شوند.

با اشاره به اینکه برات و سفته اسناد تجاری مدت دار هستند چک در اغلب نظام های حقوقی دنیا یک سند حال است با وجود این متأسفانه در حقوق تجارت ایران به عنوان سند تجاری مدت دار هم استفاده میشود.

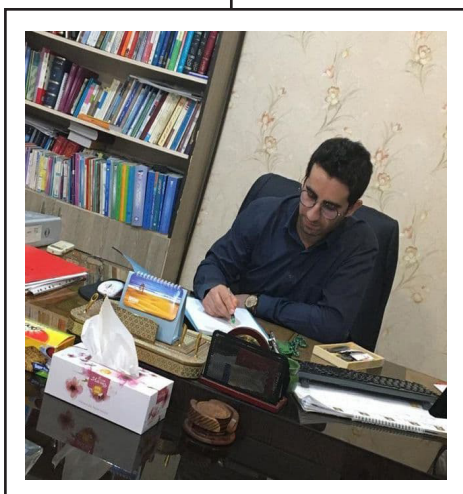
استفاده از چک به عنوان سند مدت دار را مورد انتقاد قراردار اینکه چک در غالب نظام های حقوقی دنیا سند حال است و در ایران به عنوان سند مدت دار استفاده می شود و این مساله که زندان های ما پر از محکومان چک است مشخص می کند که در زمینه استفاده از این سند تجاری در ایران دچار مشکل هستیم.

راجب سرعت و تسهیل چک چگونه نظری دارید؟

هر سه سند مذکور واجد امتیازات مسئولیت تضامنی اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات قابلیت

طلبکاران صادر کننده را در معرض ورشکستگی قرار دهد و به موجب این قانون چک از طریق اجرای احکام دادگاه‌ها نیز مستقیماً و بدون نیاز به حکم قضایی قابلیت اجرا پیدا می‌کند و می‌تواند منجر به توقیف اموال و ممنوع‌الخروجی و جلب صادرکننده چک شود.

این مسئله سبب می‌شود که با مسدود شدن حساب‌های صاحب چک و عدم توانایی او در انجام عملیات بانکی، عملاً دیگر طلبکاران او متضرر شوند چرا که در صورتی هم که سایر حساب‌ها دارای موجودی باشند با مسدود شدن آنها صاحب چک نمی‌تواند تعهدات خود را به دیگران ادا کند خصوصاً که در این قانون کیفیت توقیف این حسابها و نحوه تسهیم کسری مبلغ چک بین حسابها، تعیین تکلیف نشده است.



انتقال وسیله کسب اعتبار و اخذ تامین خواسته بدون نیاز به تودیع خسارت احتمالی هستند، اما علاوه بر این امتیازات مشترک در هر سه سند چک دارای امتیازات اضافه ای از قبیل قابلیت تعقیب کیفری عدم نیاز به واخواست و پرداخت مالیات بوده و در حکم سند لازم‌الاجرا است و می‌توان از طریق اجرای ثبت نسبت به وصول وجه آن اقدام نمود.

امتیازات اضافه چک نسبت به برات و سفته را موجب ایجاد برخی توالی فاسد از جمله دور شدن قانونگذار از فلسفه این تاسیسات تجاری است سیاستهای تقنینی نباید به نحوی باشد که مردم به جای استفاده از اسناد مدت دار برات و سفته برای معاملات مدت دار خود، از چک که در قانون تجارت ایران و کنوانسیونهای بین المللی و نظامهای مدرن حقوقی، سندی حال محسوب میشود، به عنوان سند مدت دار استفاده کنند که متأسفانه در قانون اصلاح قانون صدور چک، شاهد حل این معضل نیستیم.

استفاده از چک به عنوان سند مدت دار سبب مهجور شدن برات و سفته است وقتی که از چک که یک سند تجاری حال است به عنوان سند مدت دار استفاده می‌کنیم سفته و برات به کنار رانده می‌شوند و عامل گرایش مردم به سمت استفاده از چک به صورت مدت دار همین امتیازاتی است که ذکر شد.

می‌تواند به ایجاد معضلات جبران ناپذیر برای صادر کننده و طلبکاران او بینجامد و حتی دیگر



مهدی کلهر

**هنر دفاع
در دادگاهها**
استراتژی و تاکتیک

هنر دفاع در دادگاهها: استراتژی و تاکتیک

ناشر: انتشارات کشاورز

نویسنده: بهمن کشاورز

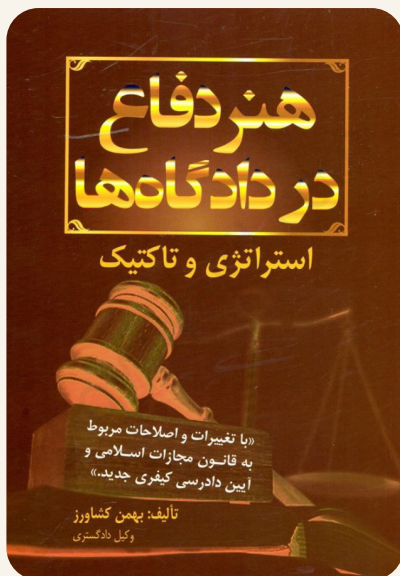
این کتاب دو جلد دارد که در جلد اول، دفاع در دادگاههای جنایی (کیفری استان)، ضوابط و نحوه رفتار از زمان پذیرش موکل تا پایان دادرسی و صدور حکم دادگاه را به طور واضح و روشنی تشریح کرده است. جلد دوم این کتاب هم به دعاوی حقوقی (مدنی) پرداخته است. در این جلد با تشبیه موضوع به یک نبرد، وکلا را چه در مقام حمله و چه در مقام دفاع برای نبرد قضایی آماده می‌کند و می‌آموزد در عرصه نبرد (دادگاه) چگونه باید عمل کنند. همینطور نکات دقیق‌تری به منظور دفاع در هر دو جلد مشاهده می‌شود، از جمله: مدیریت زمان، چگونه سخن گفتن، آداب دادگاهها، تنظیم روابط وکیل با موکل و...

کتاب فوق نوشته بهمن کشاورز، وکیل دادگستری و رئیس پیشین اتحادیه سراسری کانونهای وکلای دادگستری ایران می‌باشد. وی از وکلای با تجربه در زمینه قضایی است که دارای تألیفات متعدد در زمینه حقوق می‌باشد. او در این کتاب به اموری پرداخته که در قوانین و کتابهای حقوقی به آنها اشاره نشده است؛ بلکه تنها در اثر تجربه بسیار در دادگاهها حاصل شده است. بنابراین مطالب این کتاب مخصوص دانشجویان حقوق، کارآموزان قضایی و وکلایی است که تجربه کافی حضور در دادگاهها را ندارند.

اصل سی و پنجم قانون اساسی: در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

از دیگر تألیفات ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. آیین تنظیم قراردادها: به انضمام نمونه قراردادها و شرایط عمومی پیمان.
۲. آیین نگارش حقوقی و کلیات عملی علم حقوق (جلد اول و دوم).
۳. متن محشای قانون و آیین‌نامه "اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب" معروف به: قانون احیاء دادرسی.
۴. سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت در حقوق ایران و فقه اسلام.



خرید کتاب

معرفی سریال



مهدی کلهر



معرفی سریال "Suits"

نویسنده: آرون کورش کارگردان: آرون کورش

این سریال یک درام حقوقی با لحظات کمدی بسیاری است که داستان فردی با ضریب هوشی بسیار بالا (مایک راس) که به علت مشکل مالی به راه خلاف کشیده شده را روایت می‌کند. در یکی از معاملات مواد مخدر، پلیس به وی مشکوک و او را تعقیب می‌کند و او اتفاقی وارد دفتر یکی از بهترین وکلای شهر، (هاروی اسپکتر) که از قضا به دنبال استخدام دستیار است، می‌شود. مایک آن چنان هاروی را تحت تأثیر هوش خود قرار می‌دهد که او علی‌رغم سیاست شرکت حقوقی خود که تنها از هاروارد دستیار می‌گیرد، او را بدون مدرک حقوقی استخدام کرد. در ادامه‌ی سریال شاهد فراز و نشیب‌های بسیاری که برای شخصیت‌های سریال رخ می‌دهد، هستیم.

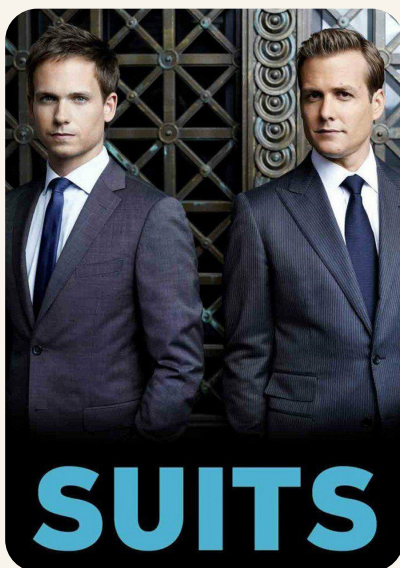
سریال Suits در نه فصل، بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ توسط شبکه USA Network ساخته و پخش شده است.

اولین چیزی که هنگام مواجهه با این سریال به چشم می‌خورد نام آن است، واژه suits در اینجا واژه‌ای ایهام برانگیز است که در معنای اول کت‌شلوارها ترجمه می‌شود که با توجه به نوع پوشش و لباس بازیگران در آن بسیار خوب به فضای سریال نشسته است و در معنای دوم دادخواست‌ها ترجمه می‌شود که از واژه lawsuit به معنی دادخواست حقوقی، گرفته شده است. که آن هم اتفاقاً با توجه به مفهوم سریال درست به نظر می‌رسد.

Suits: (دادخواست‌ها، کت‌شلوارها)

فضای این سریال به گونه‌ای است که علاوه بر مسائل و معماهای حقوقی، لحظات کمدی، ناراحت کننده و گاهی پرتنش و جذابی دارد که در طول سریال شاهد آن هستیم. همچنین این سریال می‌تواند جذابیت بسیار زیادی برای دانشجویان حقوق داشته باشد، به دلیل این که در طول سریال شاهد پرونده‌های بی‌شماری هستیم که با روش‌های جذاب به سرانجام می‌رسد. اعتماد به نفس بالای شخصیت‌ها و ارتباط آنها با یکدیگر و با موکلین‌شان هم نکته دیگری است که به دانشجویان کمک می‌کند.

شخصیت‌های این سریال هرکدام وجه شخصیتی منحصر به فردی دارند. در سریال به خوبی نشان می‌دهد، تصمیماتی که هر فرد با توجه به شخصیتش می‌گیرد می‌تواند چه پیامدهایی داشته باشد. این امر باعث می‌شود به عنوان حقوق‌دان یا وکیل یاد بگیرد که، صرفاً براساس احساسات یا فقط از روی عقل و منطق تصمیم نگیرد زیرا که هیچکدام به نتیجه مطلوبی نمی‌انجامد. این سریال به علت به کار بردن لغات حقوقی و روزمره بسیار، می‌تواند کمک بسیار خوبی برای تقویت زبان انگلیسی دانشجویان باشد.



دانلود فیلم



نمیدانم ماهیت زندگی، عقد است یا ایقاع
آن قدر می دانم که گذشت زمان نه اقاله پذیر است و نه قابل فسخ
و عمر ما اجرت المثلی است که به ازای آن می پردازیم...
پس تا دیر نشده عین زندگیت را زندگی کن....

تعالی